

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش «رام کردن اسب چوبی»

برملاشدن اسرار در یک کمدی موقعیت

مریم عظیمی

گفت‌وگو

نمایش «رام کردن اسب چوبی» به نویسندگی سسینا رازانی و نیما نافع و کارگردانی سینا رازانی و تهیه‌کنندگی علی شاهانی با حضور چهره‌های نام‌آشنایی مثل کامران تفتی، سانیا سالاری، اتابک نادری و... این روزها در سالن چهارسوی تئاتر شهر به اجرا در می‌آید. موضوع این نمایش در دنیای فردی مرفه و پولدار که تفریحش گیر آوردن افراد ساده لوح و فاقد پیچیدگی و دست‌انداختن‌شان است، می‌گذرد در حالی که شکارچی خود به زودی تبدیل به شکار خواهد شد. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

سسینا رازانی، نویسنده و کارگردان:

نمایش محصول کار یک تیم است

از جگونگی آغاز این پروژه بگویند.

نمایشنامه اولیه حدود ۲۵ سال پیش با ترجمه دیگری وارد بازار ایران شده اما یکی از دوستانم این اثر را ترجمه کرد و من این ترجمه جدید که یک قرائت نواز این متن بود را خواندم و احساس کردم که دوست دارم تغییرات بنیادینی روی آن ایجاد شود و نمایش ما اثری برگرفته از آن باشد تا برای تماشاچی امروز، تماشاچی تهران و ایران امروز ملموس باشد. یکی از نکات جذاب این نمایشنامه تأکیدی بود که بر مسئله قضاوت‌های سطحی و شخصی داشت اینکه نشان می‌داد ما تا چه حد درگیر قضاوت‌هایی هستیم که صرفاً بر اساس ظاهر افراد انجام می‌شوند و اینکه ما فکر می‌کنیم بعضی از افراد چقدر ساده و فاقد پیچیدگی هستند اما وقتی به کنه آن افراد نگاه کنیم می‌بینیم که چه زندگی پیچیده و قابل تأملی دارند. در نهایت من با کمک دوست عزیزم نیما نافع این نمایشنامه را به نوعی جراحی و موقعیت، اتفاقات و شخصیت‌هایش را ایرتیزه کرده متناسب با حال و هوای اتفاقاتی که پیرامون خودمان می‌گذرد، کردیم و بر اساس آن نمایشنامه اولیه، متنی که تماشاچی عزیزمان می‌بیند محصول ذهن من و نیما نافع است.

بالایک این نمایش دکور ایستایی دارد اما با فضا‌هایی که در پشت‌لته‌هایی انتهایی تعبیه شده و دی‌کی که در انتهای وسط صحنه قرار گرفته سه فضای مجزا به‌هم اضافه می‌شود که هر کدام کارکرد خود را دارند. لطفاً در این مورد بگویند.

همان زمان که در حال نوشتن متن بودیم من یک تصور و تجسم ذهنی از دکور و صحنه این نمایش داشتم اما زمانی که سعید یزدانی به گروه اضافه شد در همان اولین بار که تمرین را می‌دید شروع به طرح زدن کرد و این برای من بسیار جالب بود و آنچه امروز مخاطب در این نمایش می‌بیند محصول ایده اولیه و ذهنیت خامی که من به سعید یزدانی عزیز اعلام کردم و محصول خلاقیت خود اوست و من از طراحی او بسیار راضی هستم به خصوص که من کارگردانی هستم که تمرکز اصلیم روی بازیگری است اما هر آنچه که مدنظر من بود را آقای یزدانی توانستند لحاظ کنند و مشورت‌هایی که در برخی موارد می‌دادند واقعا کمک کننده بود. همانگونه که گفتید صحنه این نمایش به خاطر همین ویژگی‌ها برای مخاطب خسته کننده نیست در عین حال آنقدر چشمگیر هست که مخاطب از آن لذت ببرد و در عین این چشمگیری به هیچ عنوان تمرکز تماشاگر را از اتفاقات روی صحنه نمی‌زد و دو واقعا یک طراحی خلاقانه و در عین حال در خدمت نمایش است.

با توجه به اینکه تاکنون بیشتر در عرصه بازیگری فعالیت کرده‌اید چطور شد که تصمیم به کارگردانی این نمایش گرفتید و در این زمینه چه چالش‌هایی مواجه شدید؟

من از چندین سال پیش مترصد این بودم که کارگردانی کنم و رفقای کارگردان من می‌دانند که من اصولاً بازیگر پیشنهاد دهنده‌ای هستم مخصوصاً در حیطه بازیگری، چه برای بازی خودم و چه برای همکارانم همیشه سعی می‌کنم پیشنهادی داشته باشم. من به دنبال کارگردانی بودم و اینکه بتوانم شکل قرائت خودم را برای تماشاچی تثبیت کنم، اینکه چقدر می‌توان روی بازیگری متمرکز بود البته تمرکز اصلی من همچنان روی بازیگری است اما الان می‌فهمم که اتفاقاً برای شکل‌گیری یک نمایش اصلاً اینکه تمرکز شما فقط روی بازیگری باشد کافی نیست چرا که نمایش محصول یک تیم است که ذره به ذره این اجزا باید در کنار هم به دقت چیده شوند تا یک نمایش به جان مخاطب بنشیند. فکر می‌کنم اینکه در تولید این نمایش تمرکز بیشتر روی بازیگری بود سبب شده ریتیم صحنه‌ها و بازی‌ها سر و شکل دیگری پیدا بکنند اما رفقای هنرمندی که در این کار کنار من قرار گرفتند نگرش جدیدی به من دادند و از این موضوع بسیار خوشحالم چرا که به من یادآوری می‌کند که نمایش صرفاً بازیگری نیست هر چند که بازیگری برای مخاطب خیلی مطرح است اما اگر نور، موسیقی، گریم، دکور و باقی عوامل درست نباشند همان بازیگری نیز نمی‌تواند درست دیده شود و قطعا در آینده هم دوست دارم کارگردانی کنم و بعد بازیگری و در تجربه‌های کارگردانی بعدی به این نکاتی که گفتم بیشتر توجه خواهیم کرد و در زمینه بازیگری نیز سعی می‌کنم آن حل شدن جز در کل را در کارم بیشتر لحاظ کنم.

سانیا سالاری، بازیگر:

حالم با این کار خیلی خوب است

را در پروژه‌های دیگری که ایشان در مقام بازیگر بودند، داشتم و خوشحالم که در این نمایش که در مقام کارگردان هستند به عنوان بازیگر حضور دارم و خوشحالم که به من اعتماد کردند و این نقش را به من سپردند و خدا را شکر حالم با این کار خیلی خوب است.

آیا خاستگاه شروع بازیگری شما تئاتر بود؟

بله من شاگرد مهتاب نصیرپور عزیز و آقای محمد رحمانیان بودم و اولین تئاتری که در آن به ایفای نقش پرداختم «مجلس ضربت زدن» نوشته استاد بهرام بیضایی به کارگردانی آقای رحمانیان بود که اتفاقاً در همان نمایش نیز آقای سینا رازانی حضور داشتند و همکاری کردیم. من تا این لحظه تجربه کار کمدی نداشتم و این اولین تجربه من است و خیلی خوشحالم که می‌توانم با خیال راحت به سینا رازانی اعتماد کنم چرا که کمدی کار کردن برای بازیگری که تاکنون این تجربه را نداشته سخت است و برای من نیز تا حدود زیادی ترسناک بود اما خدا را شکر جوری که آقای رازانی هدایت می‌کنند همه چیز عالی پیش می‌رود و خیال‌م از این بابت راحت است.

مصطفی ساسانی، بازیگر:

کمدی کاری بسیار ظریف مانند مینیاتور است

و کمی هم نگران بودم چون به واسطه نقش‌هایی که از ایشان دیده بودم فکر می‌کردم فرد سرسختی هستند. بخصوص که در کار کمدی اگر بازیگر مقابل همکاری نکند بسیاری از لحظات شکل نمی‌گیرد به همین علت خیلی تردید داشتم اما زمانی که کارمان آغاز شد آنقدر همراه بودند که این همکاری تبدیل به یکی از لذت‌بخش‌ترین کارهایم شد و آن تصویری که از آقای تفتی در سریال‌های دیدم در ذهنم فرو ریخت و تبدیل به تجربه‌ای لذت‌بخش شد. ایشان بسیار صبور بودند ما حدوداً یک ماه فقط صحنه‌های دو نفره خودمان را تمرین می‌کردیم و حقیقتاً هم شرایط سختی بود چرا که باید آن ریتم و تمپو لازم را پیدای می‌کردیم. کار کمدی کار بسیار ظریفی است مانند مینیاتور و شاید حتی جابجاشدن یک کلمه یا کم و زیاد شدن سرعت اجرا یک صحنه سبب شود که لحظات شکل نگیرند به همین علت یک پارتنر صبور، درست و حرفه‌ای می‌تواند کمک کننده باشد همینطور کارگردانی که همه این مسائل زیر نظر او انجام می‌شود.

سخن پایانی

هر چند که استقبال خوب مخاطبان از این اثر قابل پیش‌بینی بود اما همچنان برایم جالب است اگر چه در کار کمدی همیشه این دوگانگی هست و عده‌ای کار را خیلی می‌پسندند و عده دیگر کمتر، اما ما دیگر اعضای گروه تمام سعی‌مان را کردیم، تمرینات بسیار سخت و طاقت‌فرسایی را طی کردیم تا تمام لحظات نمایش و ریتمش را به دست بیاوریم چرا که کمدی کار ریتم است و اگر ریتمش درست اجرا نشود و کند باشد، تبدیل به یک کار کسل کننده خواهد شد و اگر تندتر از آنچه که باید باشد، بسیاری از لحظات دست خواهند رفت و پیدا کردن آن ریتم حاصل تمرین‌های بسیار زیاد است.

کاراکتر شراره متفاوت از کاراکترهای دیگری که روی صحنه هستند بسیار منطقی و آرام‌تر است. لطفاً از چگونگی مواجه شدن با این کاراکتر بگویند.

اولین باری که سینا رازانی متن را برایم فرستادند، گفتند که شراره را کاراکتر می‌بینند و می‌خواهند کاملاً به صورت یک کاراکتر اجرا شود و تفاوتی که از آن صحبت کردید شاید به همین علت به باشد و در نهایت هر آنچه اجرا می‌شود در راستای خواست آقای رازانی است. من پیش از این نیز افتخار همکاری با سینا رازانی

چگونه وارد این پروژه شدید و آیا با آقای رازانی همکاری دیگری داشتید؟

ما در واقع هم دانشگاهی بودیم و اغلب کارهای یکدیگر را می‌دیدیم اما امکان همکاری به وجود نیامده بود. از طرفی ۷ سالی بود که من تئاتر کار نکرده بودم و کمی تردید داشتم و فکر می‌کردم یک کار کمدی برایم سخت خواهد بود و حقیقتش دوست نداشتم کمدی کار کنم اما زمانی که سینا رازانی با من تماس گرفت و متن را مطالعه کردم آنقدر برایم جذاب بود که پذیرفتم.

کاراکتر محمد مراد را چگونه دیدید و برای اجرای این کاراکتر به چه نکاتی دقت کردید؟

مهمترین مسئله‌ای که سینا رازانی همیشه در مورد این کاراکتر به آن اشاره می‌کرد کودک صفتی این کاراکتر بود یعنی کلید ورود به دنیای ذهنی و روانی این نقش کودک صفتی‌اش بود. همانطور که میدانید کودکان وقتی از چیزی خوشحال می‌شوند خیلی راحت آن ذوق را بروز می‌دهند این کاراکتر نیز شور و شوقش را درست مانند کودکان بروز می‌دهد و از آنجایی که سطح این بروز دادن از آن حد استاندارد بزرگسالانه فراتر است در نظر اطرافیان عجیب و غیر طبیعی جلوه می‌کند. یکی دیگر از چالش‌ها و سختی‌های ایفای محمد مراد این بود که او می‌توانست در یک جمله چند حس متفاوت و گاه متضاد را تجربه کند.

می‌توان گفت که همین ویژگی او باعث می‌شود در موقعیت‌هایی قرار بگیرد و در اثر برخورد کودکانه‌اش آن موقعیت را به یک فاجعه نزدیک کند!

بله هر چند که دوست ندارم که آن اتفاق فاجعه آمیز شود اما چون آن درایت لازم را ندارد و آدم سیاستمداری نیست بالا اینکه فکر می‌کند دارد کاری را درست می‌کند همواره در حال بدتر کردن اوضاع و موقعیت‌ها است.

اکثر لحظات نمایش از تقابل شما با کامران تفتی شکل گرفته است از تجربه‌ای همکاری بگویند.

من در تمام این سال‌ها حتی آقای تفتی را از نزدیک ندیده بودم

